

اثر استقلال قضایی بر تولید ناخالص داخلی (مطالعه بین کشوری با روش داده‌های تابلویی)^۱

هدی زبیری (نویسنده مسئول)

استادیار اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران

h.zobeiri@umz.ac.ir

سامان صلاحی کجور

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران

saman.salahikojour@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۰

چکیده:

دستگاه قضایی به عنوان یکی از ابعاد چارچوب نهادی، نقش تعیین کننده‌ای در عملکرد اقتصادی جوامع ایفا می‌کند. استقلال دستگاه قضایی رکن اصلی برای حمایت موثر از حقوق مالکیت خصوصی است. دستگاه قضایی مستقل و کارآمد از طریق تضمین قراردادهای و مجازات تخطی از قانون، بر امنیت مالکیت خصوصی و پیش‌بینی پذیری سرمایه‌گذاری و در نتیجه رشد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. پژوهش حاضر اثر استقلال قضایی بر تولید ناخالص داخلی ۵۲ کشور منتخب توسعه‌یافته و درحال توسعه طی دوره ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ را با استفاده از روش داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که استقلال دستگاه قضایی اثر مثبت و معناداری بر تولید ناخالص داخلی داشته است.

طبقه‌بندی *JEL*: O17, O43, K40, C23.

واژگان کلیدی: استقلال قضایی، نهادها، تولید ناخالص داخلی، رگرسیون داده‌های تابلویی.

۱. این مقاله از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد با عنوان "بررسی اثر استقلال قضایی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب" در دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران استخراج شده است.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین اهداف کلان اقتصادی در هر کشور دستیابی به رشد اقتصادی بالا و پایدار است. طی دهه‌های اخیر مطالعات متعددی به نقش نهادها^۱ بر رشد اقتصادی تاکید کرده‌اند (نورث^۲ ۱۹۹۴؛ ص ۳۵۹، ناک و کیفر^۳ ۱۹۹۵؛ ص ۵۹۰، ویلیامسون^۴ ۲۰۰۰؛ ص ۵۹۵، رادرفورد^۵ ۲۰۰۱؛ ص ۱۳۷، نورث و همکاران^۶ ۲۰۰۴؛ ص ۷۵، عاصم‌اوغلو و همکاران^۷ ۲۰۰۵؛ ص ۹۴۹، آئوکی^۸ ۲۰۰۷؛ ص ۱، اوسترام^۹ ۲۰۰۷؛ ص ۲۳۹، شرلی^۸ ۲۰۰۸؛ ص ۱۶۵، نورث و همکاران^{۱۰} ۲۰۰۹؛ ص ۵۵، عاصم‌اوغلو و رابینسون^۹ ۲۰۱۰؛ ص ۱). به عقیده لین و ناجنت^{۱۰} (۱۹۹۵؛ ص ۲۳۰۱) نهاد، مجموعه قواعد رفتاری ایجاد شده توسط انسان به منظور اداره و شکل‌دهی به تعامل‌های انسان‌هاست که به آن‌ها کمک می‌کند انتظاراتی از کنش دیگران داشته باشند. بنابراین، ممکن است نهادها به صورت هنجارها یا مقررات رفتاری معین ظاهر شوند. بنابر تعریف فوق، نهاد هم شکل رسمی به خود می‌گیرد مانند قانون اساسی، قراردادهای نوشته شده، مبادلات بازاری و سازمان‌های قانونی و هم شکل غیر رسمی نظیر ارزش‌های مشترک، هنجارها، رسوم، اخلاقیات و ایدئولوژی. به دنبال درک و شناخت روزافزون از اهمیت نقش نهادها در عملکرد اقتصادی، مطالعات متعددی به بررسی شناخت علل و فرآیند شکل‌گیری نهادهایی که عملکرد موثر بازار را در کشورهای کمتر توسعه‌یافته ممکن سازند؛ از قبیل حقوق مالکیت، دموکراسی، آزادی‌های مدنی، مبارزه با فساد، سرمایه اجتماعی، حاکمیت قانون، ساختارهای حقوقی و محیط سیاسی پرداخته‌اند.

به عقیده کوز^{۱۱} (۱۹۹۸؛ ص ۷۲) در دنیای فاقد هزینه مبادله، کارایی پارتو از طریق بازار به دست می‌آید و دیگر نیازی به تخصیص منابع از طریق نظام‌های حقوقی نیست. در دنیای فاقد هزینه مبادله نقش دستگاه قضایی در اقتصاد کم است ولی در دنیای واقعی هزینه مبادله مثبت است و در آن کارایی دستگاه قضایی اهمیت ویژه‌ای دارد. زیرا در

1. Institutions

2. North

3. Knak & Keefer

4. Williamson

5. Rutherford

6. Aoki

7. Ostrom

8. Sherly

9. Acemoglu & Robinson

10. Lin & Nugent

11. Coase

صورت هزینه‌های مبادله بالا اگر ارزش معامله کمتر از هزینه‌های معامله باشد قراردادی بین طرفین منعقد نمی‌گردد. بنابراین حقوقی که افراد واجد آن هستند همان حقوقی خواهد بود که توسط نظام حقوقی و قضایی^۱ به آن‌ها تخصیص یافته است و کنترل‌کننده اقتصاد است. در نتیجه، کارایی دستگاه قضایی تأثیر زیربنایی بر عملکرد اقتصادی جوامع دارد (یولن^۲ ۱۳۹۳؛ ص ۷۸). پژوهش حاضر به بررسی رابطه استقلال دستگاه قضایی^۳ با تولید ناخالص داخلی متمرکز می‌گردد. منظور از استقلال قضایی درجه مصونیت دستگاه قضایی از نفوذ و فشارهای گروه‌های سیاسی و اقتصادی است. نظام قضایی مستقل با اجرای مستقل قراردادها و فراهم نمودن نظارت دقیق، جلوگیری از فساد، افزایش کارایی در تأمین حقوق شهروندی و تأمین امنیت دارایی‌های فیزیکی و ذهنی افراد، اولین شالوده‌ی فعالیت‌های مولد و رشد اقتصادی محسوب می‌شود.

پژوهش حاضر اثر استقلال دستگاه قضایی بر تولید ناخالص داخلی ۵۲ کشور منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه را در دوره ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ با استفاده از رگرسیون داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار می‌دهد. این مقاله مشتمل بر پنج بخش است. پس از مقدمه، در بخش دوم ادبیات پژوهش (نظری و تجربی) به‌طور اجمالی ارائه می‌شود. سپس، بخش سوم به ارائه روش‌شناسی پژوهش و تصریح مدل اختصاص می‌یابد. پس از آن، در بخش چهارم به برآورد الگوی تحقیق و ارائه نتایج تجربی پرداخته می‌شود و در نهایت در بخش پنجم، جمع‌بندی و پیشنهادها ارائه می‌گردد.

۲. ادبیات تحقیق

اقتصاددانان از دیرباز به مطالعه و تحقیق در مورد عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند که سیر تکاملی نتیجه تحقیقات آن‌ها در قالب نظریات و مدل‌های رشد کلاسیکی، نئوکلاسیکی و الگوهای رشد درون‌زا تقسیم می‌شود. هارود^۴ (۱۹۳۹) و دومار^۵ (۱۹۴۶) تحلیل‌های کینزی را با عوامل رشد، چنان ترکیب کردند که در مدل‌های مطرح شده، کلید افزایش تولید و رشد اقتصادی را سرمایه‌گذاری فیزیکی و افزایش ظرفیت‌های تولید

^۱. نظام حقوقی، هم شامل سازمان‌هایی که قوانین را وضع و اجرا می‌کنند یعنی نهادهای تقنینی و اداری، قوه قضائیه و مجریه، مشاغل خصوصی حقوق و پلیس می‌شود و هم محتوای ماهوی حقوق را در برمی‌گیرد.

^۲. Ulen

^۳. Judicial Independence

^۴. Harrod

^۵. Domar

می‌دانستند. لذا از نظر آن‌ها موجودی بیشتر و سریع‌تر سرمایه، نرخ رشد اقتصادی مناسب‌تری را به ارمغان می‌آورد. الگوهای رشد نئوکلاسیک با دخالت دادن قیمت عوامل و جایگزینی عوامل تولید نسبت به الگوهای کینزی هارود و دومار گامی رو به جلو بوده‌اند. در دهه ۵۰، رابرت سولو^۱ الگویی را توسعه داد که به صورت قالب استاندارد مطالعه‌های مربوط به رشد اقتصادی درآمد. در این الگو، نرخ رشد اقتصادی به سرعت افزایش نهاده‌های تولید (کار و سرمایه) بستگی دارد (مستولی‌زاده و آذربایجانی ۱۳۹۴؛ ص ۷۱). در مرحله بعد، مدل‌های رشد به فراتر از مدل‌های دوبرخشی کار و سرمایه و به الگوسازی عوامل و منابع موثر بر رشد، با تاکید بر بهره‌وری عوامل تولید گسترش یافتند و علاوه بر سرمایه فیزیکی تفسیرهای جدیدی از سرمایه (سرمایه انسانی، سرمایه دانش و سرمایه اجتماعی) را به عنوان منابع رشد پایدار به مدل‌های رشد پیوند زدند. نظریات جدید رشد توابع تولیدی را بررسی کردند که تنها تابعی از سرمایه و نیروی کار و پیشرفت فناوریانه نیست بلکه به دلیل انباشت رو به گسترش سرمایه انسانی و در نتیجه تخصصی شدن و سرمایه‌گذاری در سرمایه دانش، بازده‌های فزاینده (صعودی) را نشان می‌دهند. بر اساس رومر^۲ (۱۹۶۸)، نوآوری فن‌آورانه در بخش سرمایه انسانی و R&D، ذخایر علمی و تولید دانش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ذخایر علمی در تولید کالای نهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به افزایش نرخ رشد تولید می‌انجامد. در این مدل، نوآوری محرک رشد پایدار است.

در سطح تئوریک مدل‌های رشد درون‌زا، از اهمیت زیادی به خاطر تحلیل ارتباط متقابل بین سرمایه فیزیکی، تغییرات تکنولوژی، دانش و سرمایه انسانی برخوردار شدند. اما شواهد تجربی نشان دادند که در عمل کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه‌یافته، کمتر از این نظریات بهره بردند. یک دلیل این بود که تنها پس از انباشت سرمایه فیزیکی به سطحی نسبتاً بالا و کافی، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و سرمایه‌گذاری در R&D می‌تواند مولد باشد. آن چه باید درک شود این است که ماهیت تعادل در کشورهای در حال توسعه مانع توسعه این کشورهاست. کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه بر روی توابع تولید متفاوتی قرار دارند و با چارچوب نهادی متفاوتی سازمان‌دهی می‌شوند. در حقیقت، مشکل این کشورها خیلی بیشتر از فقط تفاوت در دارایی‌ها و عوامل تولید است و ریشه در چارچوب نهادی و سازمانی (شامل عملکرد بازارها) دارد. به عبارت دیگر،

1. Robert Solow

2. Romer

اقتصاد چیزی بیش از ساز و کار بازار است؛ اقتصاد از نهادهایی تشکیل شده است که به بازار شکل و ساختار می‌دهند و بازار در چارچوب آن‌ها عمل می‌کند (مهیر^۱ ۲۰۰۵؛ ص ۵۳). نهادگرایی در حال حاضر یکی از مباحث مهم در علوم انسانی است و اندیشمندان گوناگون در اقتصاد، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی به نظریه‌پردازی در این زمینه مشغول هستند. هرچند میان اندیشمندان، توافقی حتی در مورد تعریف نهادها وجود ندارد و هر یک تعریفی خاص از نهاد ارائه می‌نمایند؛ اما نقطه مشترک میان تمام نهادگرایان - به منزله تعریفی از نهادگرایی - تأکید بر اهمیت نهادها در تحلیل مسائل اقتصادی است. با توجه به تعاریف متفاوتی که از مفهوم نهاد وجود دارد، بطور کلی می‌توان گفت؛ نهادها قوانین بازی در جامعه و قیود وضع شده از جانب بشر هستند. نهادها شکل‌دهنده و راهنمای روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر هستند. نهادها باعث ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند. نهادها حد و مرز مجموعه انتخاب‌های افراد را تعیین می‌کنند. نهادها یا به یکباره خلق می‌شوند مانند قوانین مختلف، و یا به مرور شکل می‌گیرند، مانند هنجارها، آداب و رسوم، فرهنگ، سنت. نهادها عامل ارتباط بین گذشته، حال و آینده هستند (زبیری ۱۳۹۶؛ ص ۱۷۷).

چرا نهادها وجود دارند؟ این سوالی است که نهادگرایان به زعم خود بر اساس آن، اقتصاد نئوکلاسیک و جریان اصلی علم اقتصاد را با چالش مواجه کردند. پاسخ آن‌ها این بود که نهادها وجود دارند تا هزینه مبادله را کاهش دهند. این در حالی است که در نظریه نئوکلاسیک، هزینه مبادله صفر در نظر گرفته می‌شد. از یک طرف، عوامل انسانی در روابط و تعاملات اقتصادی و سیاسی خود در پی کسب نفع شخصی هستند. از طرف دیگر، آگاهی و اطلاعات افراد از شرایط مختلف حاکم بر تعاملات و روابط انسانی و سازمانی و توانایی کنترل این شرایط توسط آن‌ها محدود و ناقص است. مجموعه این دو عامل موجب می‌شود انواع مبادلات اقتصادی و سیاسی میان افراد و سازمان‌ها با نوعی عدم اطمینان مواجه باشد. چون طرفین هر نوع مبادله درصدد برخواهند آمد تا برای کسب نفع شخصی خود از شرایط حاکم بر مبادله سوءاستفاده کنند. این نااطمینانی حاکم بر مبادلات، منشاء اصلی هزینه مبادله است. هزینه‌های سنجش ویژگی‌ها با ارزش ارقام مورد معامله و هزینه‌های تعیین و حمایت از حقوق و هدایت و اجرای قراردادهای، همه و همه هزینه‌های مبادله را تشکیل می‌دهند. نقش عمده نهادها در جامعه این است که زمینه و ساختاری از پیش

1. Meier

2. Institutionalism

تعیین شده را ایجاد کنند که با مقید و محدود سازی رفتار عوامل انسانی و سازمانی، عدم اطمینان در تعاملات و مبادلات اقتصادی و سیاسی افراد و سازمان‌ها با یکدیگر، و به تبع آن هزینه مبادله را کاهش دهند. در حالی که فقدان چنین قیود نهادی، می‌تواند هزینه مبادلات را چنان افزایش دهد که یا بسیاری از مبادلات عملاً به انجام نرسد یا این که بسیاری از مبادلات نه به صورت داوطلبانه و مبتنی بر رضایت طرفین، بلکه بر اساس اجبار و به زیان یکی از طرفین صورت پذیرد (کوز^۱ ۱۹۹۲؛ ص ۷۱۳، ویلیامسون ۲۰۰۰؛ ص ۵۹۵). چنانچه، روابط و مبادلات سیاسی و اقتصادی میان مردم در نظام اقتصادی را به مثابه یک بازی اجتماعی در نظر بگیریم، آن‌گاه نقش پررنگ نهادها به عنوان قواعد بازی، هم در تعیین فرآیندهای حاکم بر نظام اقتصادی و هم در تعیین نتایج حاصل از نظام اقتصادی و هم در فرآیند خلق و توزیع سود میان بازیگران سیاسی و اقتصادی، روشن خواهد شد. در حقیقت، چارچوب نهادی مرز فعالیت اقتصادی را که شاکله‌های اقتصادی^۲ در آن کار می‌کنند، مشخص می‌کند و به این ترتیب کنش متقابل قوانین بازی و رفتار کنش‌گران صحنه فعالیت اقتصادی را تعیین می‌کند. مقایسه چارچوب نهادی کشورهای نظیر ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، آلمان و ژاپن با کشورهای جهان سوم، یا با چارچوب نهادی کشورهای صنعتی پیشرفته در گذشته‌های دور، نشان می‌دهد که این چارچوب‌ها در موفقیت نسبی اقتصادها، چه از لحاظ مقطعی و چه از لحاظ سیر زمانی، نقشی سرنوشت‌ساز داشته‌اند (نورث و همکاران ۲۰۰۹؛ ص ۵۵).

دستگاه قضایی، به‌عنوان نهادی که متولی برقراری و حفظ نظم اجتماعی، امنیت حقوق مالکیت و کیفیت و ضمانت اجرایی قوانین و مقررات اقتصادی است، تعیین‌کننده ساختار انگیزشی مربوط به انواع مختلف فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه تعیین‌کننده مسیر رشد اقتصادی کشورها محسوب می‌شود (بامول^۳ ۲۰۰۲؛ ص ۶۲۳). به عقیده بامول، چون مردم در جست‌وجوی منافع شخصی هستند فقط زمانی به انجام کار سخت و سرمایه‌گذاری می‌پردازند که احتمال منتفع شدن از تلاش‌شان را داشته باشند. به همین علت، خصیصه‌های رسمی محیط نهادی مانند کیفیت قوانین و مقررات و کارایی دستگاه قضایی برای بررسی علت تفاوت سطح رشد و توسعه کشورها بسیار مهم هستند. با تجارت و تخصصی شدن، ثروت جوامع و نیز تقاضای افراد برای حفظ حقوق‌شان افزایش می‌یابد که این

1. Coase

2. Economic Bodies

3. Baumol

حقوق، حق کنترل و حفاظت از اموال غیرمنقول^۱، مالکیت فکری^۲، مالکیت نامشهود^۳ و حقوق شخصی را شامل می‌شود. در جایی که دستگاه قضایی برای پشتیبانی از قراردادها، برقراری نظم، حفاظت از امنیت افراد و حقوق مالکیت، مبادله و تخصص، ضعیف است، سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی و انسانی - و به تبع آن رشد اقتصادی - محدود خواهد بود. در مناطقی که نهادها قطعیت و اطمینان را افزایش می‌دهند، به طوری که قراردادها محترم شمرده می‌شوند و دارایی‌ها مورد حفاظت قرار می‌گیرند، افراد بیشتر به تخصص - گرایی، سرمایه‌گذاری دارایی‌های ثابت، انجام مبادلات پیچیده و انباشت و اشتراک دانش گرایش دارند (رودریک^۴ ۲۰۰۸؛ ص ۱۰۰، شرلی ۲۰۰۸؛ ص ۱۷۲). مطالعات متعددی رشد و توسعه اقتصادی را از کانال نهادهای حقوقی و قضایی مورد بررسی قرار داده‌اند. هسته مرکزی تمام این مطالعات بیان این نکته است که فرآیندهای رشد و توسعه در بسیاری از کشورها بر اساس محرک‌های اقتصادی صرف شکل نگرفته است، بلکه، کارایی دستگاه قضایی و حاکمیت قانون منشاء توسعه تجارت و در نتیجه توسعه رفاه آن جامعه بوده است. شرود و همکاران^۵ (۱۹۹۴؛ ص ۱۰۱) به بررسی تأثیر عملکرد سیستم قضایی بر عملکرد بهینه بازارها و رشد اقتصادی در کشورهای آمریکای لاتین پرداختند. مطالعه ایشان نشان می‌دهد در کشورهای مبتنی بر اقتصاد بازار سیستم قضایی نقش کلیدی در شکل‌گیری فعالیت‌های مختلف اقتصادی در جامعه از طریق تعیین مسئولیت‌ها و تعریف و تعیین حقوق و مجازات این فعالیت‌ها داشته است. هاف و استیگلitz^۶ (۲۰۰۳؛ ص ۷۵۳)، ضمن بررسی موانع برقراری حاکمیت قانون در کشورهایی که پس از فروپاشی شوروی سابق شکل گرفتند، نشان داده‌اند کاهش کارایی نظام قضایی در کشورها باعث کاهش رشد اقتصادی آن‌ها می‌شود. کلمن^۷ (۲۰۰۷؛ ص ۴۲۷)، در مطالعه‌ای تطبیقی به بررسی نقش زیرساخت‌های حقوقی و استقلال دستگاه قضایی بر توسعه اقتصادی پرداخته و نشان می‌دهد دادگاه‌های مستقل، با اجرای مستقل قراردادها و حفاظت از اموال افراد مشوق رشد سرمایه‌گذاری می‌گردند و زمینه را برای توسعه اقتصادی فراهم می‌کنند. ون آکن^۸ و همکاران (۲۰۱۰؛ ص ۲۰۴)، با توجه به "قوانین رسمی" و "قوانین غیررسمی" به بررسی

1. Real Property

2. Intellectual Property

3. Intangible Property Right

4. Rodrik

5. Sherwood, et al.

6. Hoff & Stiglitz

7. Klerman

8. Van Aaken

استقلال دادستان‌های ۷۸ کشور در حال توسعه و توسعه‌یافته طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۸ پرداختند و نشان دادند کشورهای دارای دادستان‌های مستقل از سطح فساد پایین‌تری برخوردار هستند و کاهش استقلال دادستان‌ها منجر به کاهش اعتماد در سطح جامعه و در نتیجه کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری می‌شود. در مطالعه دیگری، هگرد و تید^۱ (۲۰۱۱؛ ص ۶۷۳) به بررسی رابطه بین حاکمیت قانون و رشد اقتصادی در ۷۴ کشور در حال توسعه و در حال گذار طی دوره ۲۰۰۴-۱۹۸۵ پرداختند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد همبستگی بین شاخص‌های حاکمیت قانون برای کشورهای صنعتی پیشرفته بسیار بیشتر از کشورهای در حال توسعه است. این مطالعه، ضعف قانون، عدم استقلال قضایی و فساد را مانع اصلی رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه عنوان می‌کند. نگانون^۲ (۲۰۱۴؛ ص ۴۳۱)، با بررسی رابطه استقلال قضایی و توسعه اقتصادی در کشورهای مشترک المنافع^۳ نشان می‌دهد استقلال قضایی شرط لازم برای برقراری حاکمیت قانون و در نتیجه توسعه اقتصادی است. نظام قضایی مستقل با فراهم نمودن نظارت دقیق، جلوگیری از فساد و افزایش کارایی در تامین حقوق شهروندی زیربنای رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شوند. وویت^۴ و همکاران (۲۰۱۵؛ ص ۱۹۷) در پژوهش خود با استفاده از دو گروه شاخص‌های "قوانین رسمی؛ نوشته‌شده‌ها"^۵ و "قوانین غیررسمی؛ نانوشته‌ها"^۶ برای بررسی میزان استقلال قضایی در ۱۰۴ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه نشان می‌دهند قوانین رسمی تأثیر سیستماتیکی بر رشد اقتصادی ندارند، در مقابل قوانین غیررسمی همبستگی شدید و معناداری با رشد اقتصادی دارند. هم‌چنین نتایج تحقیقات ایشان نشان می‌دهد اثرگذاری قوانین غیر رسمی به بسترهای نهادی وابسته است اما به درآمد سرانه کشورها بستگی ندارد. داو^۷ (۲۰۱۵؛ ص ۷۲) با بررسی رابطه استقلال قضایی و کارآفرینی در ۵۰ ایالت آمریکا بین سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۲ نشان دادند استقلال قضایی تأثیر مستقیم و معناداری بر کارآفرینی و رشد اقتصادی دارد. سیستم قضایی مستقل تضمین‌کننده امنیت دارایی‌های فیزیکی و ذهنی افراد و در نتیجه اولین شالوده و پایگاه برای فعالیت‌های مولد و نوآوری‌هایی می‌شود که به جای حرکت در مسیر جریان عادی، جهش‌های

1. Haggard & Tiede

2. Nganunu

3. Common Wealth of Nations

4. Voigt

5. De jure

6. De facto

7. Dove

اقتصادی را ممکن می‌سازد. ویانا و مولیک^۱ (۲۰۱۸؛ ص ۴۲) نیز به طور مشابه در مطالعه خود برای کشورهای آمریکای لاتین طی دوره ۲۰۱۵-۱۹۹۶ نشان می‌دهند عدم توسعه کشورهای آمریکای لاتین تا حد زیادی به علت ضعف حاکمیت قانون در این کشورهاست. بررسی ایشان نشان می‌دهد بهبود بسترهای نهادی از قبیل شفافیت ساز و کارها، کیفیت تخصیص مخارج عمومی و پاسخ‌گویی مالی، نقش قابل توجهی بر اثرگذاری سیاست‌های پولی و مالی در این کشورها دارد.

مطالعات داخلی متعددی نیز به تحلیل و بررسی نهادها و رشد اقتصادی از زوایای مختلف پرداخته‌اند (از قبیل؛ کمیجانی و سلاطین ۱۳۸۷؛ ص ۱، رنانی و دلیری ۱۳۸۹؛ ص ۲۳، ندیری و محمدی ۱۳۹۰؛ ص ۱، شاه‌آبادی و پورجوان ۱۳۹۱؛ ص ۵۳، طیب‌نیا و نیکونسبتی ۱۳۹۲؛ ص ۱۰۹، متوسلی و زبیری ۱۳۹۲؛ ص ۴۹، زبیری و کریمی ۱۳۹۳؛ ص ۳۹، شاه‌آبادی و بهاری ۱۳۹۳؛ ص ۵۳، نصیرخانی ۱۳۹۳؛ ص ۸۵، علمی و قربانی ۱۳۹۵؛ ص ۷۱، کریمی و همکاران ۱۳۹۶؛ ص ۱۲۷)، اما کمتر مطالعه‌ای به بررسی رابطه نظام قضایی و به طور مشخص استقلال دستگاه قضایی با عملکرد اقتصادی پرداخته است. صامتی و همکاران (۱۳۸۹؛ ص ۸۵) با بررسی ۸۰ کشور طی دوره ۲۰۰۵-۲۰۰۰ نشان می‌دهند ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت و قوانین و مقررات بخش اعتبارات و بازارکار، از طریق کاهش هزینه مبادله و در نتیجه افزایش حجم مبادلات و فعالیت‌های اقتصادی اثر قابل توجهی بر رشد اقتصادی می‌گذارد. حاجی و همکاران (۱۳۹۲؛ ص ۳۳)، تأثیر فرآیند حل‌وفصل دعاوی قضایی بر رشد اقتصادی کشورهای D-8 را طی دوره ۲۰۰۴-۲۰۰۹ مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد افزایش مدت زمان، تعداد مراحل و هزینه دادرسی قراردادهای در سیستم قضایی باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. حیدری و علی‌نژاد (۱۳۹۳؛ ص ۹۸)، به مطالعه تأثیر حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی کشورهای (D-8) طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۹۶ پرداختند. بر طبق این مطالعه، حاکمیت قانون از سه کانال؛ حمایت از حقوق مالکیت، توسعه بازارها و تشویق کارآفرینی، رشد اقتصادی کشورها را متأثر می‌کند. سرخه‌دهی و همکاران (۱۳۹۶؛ ص ۳۳) امنیت حقوق مالکیت و تأثیر آن بر توسعه نیافتگی ایران را طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۰۴ مورد مطالعه و بررسی قرار دادند. مطالعه ایشان نشان می‌دهد وضعیت نامطلوب شاخص‌های استقلال دستگاه قضایی و حاکمیت قانون طی دوره مورد بررسی موجب کاهش تضمین قراردادهای نامناسب بودن محیط حقوقی و قضایی کسب و کار برای کارآفرینان و بخش

¹. Vianna & Mollick

خصوصی مولد شده است. مجموع این عوامل رونق رانت‌جویی و کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و استمرار توسعه‌نیافتگی را سبب شده است. در مطالعه دیگری، وصفی و همکاران (۱۳۹۶؛ ص ۶۵) به مطالعه اثر حمایت از حقوق مالکیت فکری بر رشد اقتصادی ۱۰۴ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه طی دوره ۲۰۱۵-۲۰۰۶ پرداختند. نتایج ایشان نشان می‌دهد حمایت از حقوق مالکیت فکری علاوه بر حفاظت از بخش‌های دانش‌محور، به سه دلیل اساسی رشد اقتصادی را تسریع می‌کند؛ اول اینکه حمایت از حقوق مالکیت فکری موجب تسهیل ورود فناوری به کشورها می‌شود؛ زیرا شرکت‌های خارجی صاحب فناوری ترسی از به یغما رفتن حقوق خود نخواهند داشت. دوم اینکه حمایت از حقوق مالکیت فکری موجب بهبود شرایط جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود و سوم اینکه شرایط بهتری برای تجارت کالاهای با فناوری بالا فراهم می‌کند. بررسی پیشینه تجربی نشان می‌دهد اغلب مطالعات داخلی برای بررسی رابطه نظام قضایی و رشد اقتصادی، شاخص حاکمیت قانون و حقوق مالکیت را به عنوان پاراکسی معرف کارایی دستگاه قضایی مورد بررسی قرار داده‌اند. پژوهش حاضر این ویژگی را دارد که به بررسی درجه استقلال دستگاه قضایی و نقش آن بر رشد اقتصادی می‌پردازد.

۳. روش تحقیق و داده‌ها

به منظور بررسی اثر استقلال دستگاه قضایی بر تولید ناخالص داخلی در پژوهش حاضر با استفاده از مطالعه وویت و همکاران (۲۰۱۵؛ ص ۲۰۳) مدل زیر تصریح می‌شود:

$$\ln GDP_{it} = \alpha_i + \gamma_t + \beta_1 \ln JI_{it} + \beta_2 \ln HC_{it} + \beta_3 CF_{it} + \beta_4 POP_{it} + \beta_5 INF_{it} + \beta_6 TR_{it} + U_{it} \quad (1)$$

که در آن $\ln GDP_{it}$ لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت، $\ln JI_{it}$ لگاریتم استقلال قوه قضائیه، $\ln HC_{it}$ لگاریتم سرمایه انسانی (نرخ ثبت نام مقطع تحصیلات متوسطه)، CF_{it} حجم سرمایه (نسبت تشکیل سرمایه ناخالص به تولید ناخالص داخلی)، POP_{it} نرخ رشد جمعیت، TR_{it} تجارت (نسبت مجموع صادرات و واردت کالاها و خدمات به تولید ناخالص داخلی) و INF_{it} نرخ تورم است. α_i بیانگر اثرات مقاطع و γ_t بیانگر اثرات زمان و U_{it} جمله خطا است.

در مدل فوق، سرمایه انسانی و حجم سرمایه به عنوان عوامل اصلی تولید در نظر گرفته شده است. تجارت مطابق نظریه اقتصاد باز و مدل‌های رشد درون‌زا به عنوان موتور محرک تولید در مدل وارد شده است. نرخ تورم به علت بروز نااطمینانی و ایجاد وقفه در سرمایه‌گذاری و تخصیص منابع به سمت مدیریت نقدینگی و فعالیتهای غیرتولیدی و در نتیجه اثر منفی آن بر تولید، وارد مدل شده است. نرخ رشد جمعیت به عنوان متغیر نشان‌دهنده رشد عرضه نیروی کار و تأثیر آن بر تولید وارد مدل شده است. استقلال قوه قضائیه به عنوان شاخص نشان‌دهنده بستر نهادی اقتصاد که تضمین‌کننده امنیت حقوق مالکیت و کیفیت و ضمانت اجرایی قوانین و مقررات اقتصادی، و در نتیجه تعیین‌کننده ساختار انگیزشی مربوط به انواع مختلف فعالیتهای اقتصادی است در مدل وارد شده است.

شاخص استقلال قضایی درجه مصونیت قوه قضاییه از نفوذ و فشارهای گروه‌های سیاسی و اقتصادی را نشان می‌دهد. این شاخص عددی بین ۱ تا ۷ است که توسط مجمع اقتصاد جهانی محاسبه و منتشر می‌شود.^۱ کشورهای مورد مطالعه در این تحقیق شامل ۵۲ کشور^۲ در حال توسعه و توسعه یافته هستند و بازه زمانی تحقیق سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ می‌باشد. داده‌های مربوط به متغیر استقلال قضایی کشورها از پایگاه اطلاعاتی "مجمع اقتصاد جهانی"^۳ و داده‌های سایر متغیرهای مورد استفاده از پایگاه اطلاعاتی "بانک جهانی"^۴ جمع‌آوری شده است.

جدول (۱) آمارهای توصیفی متغیرهای مدل را به تفکیک کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد. تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای در میانگین تولید ناخالص داخلی، استقلال دستگاه قضایی و سایر متغیرهای مدل میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مشاهده می‌شود. شاخص استقلال قضایی عددی بین ۱ تا ۷ است که میانگین آن

۱. مقادیر این شاخص بر مبنای فرمول $\{(x - \min(x)) / (\max(x) - \min(x))\}$ به مقادیر بین صفر و یک استاندارد شدند.

۲. کشورهای مورد مطالعه عبارتند از: ایران، آذربایجان، آلبانی، اتریش، ارمنستان، اسپانیا، استونی، السالوادور، اندونزی، ایالات متحده، ایتالیا، ایرلند، برونئی، بلغارستان، بلژیک، پرتغال، تاجیکستان، تایلند، ترکیه، تونس، جمهوری چک، جمهوری کره، چین، دانمارک، رواندا، رومانی، سوئد، سوئیس، سنگال، شیلی، صربستان، عربستان سعودی، فنلاند، قبرس، قرقیزستان، قطر، کامرون، کرواسی، کلمبیا، گرجستان، مالت، مالزی، مجارستان، مراکش، مصر، موریتس، مغولستان، مولداوی، نروژ، نیوزلند، هند، هنگ کنگ.

3. World Economic Forum (WEF)

4. World Bank (World Development Indicator)

برای کشورهای توسعه یافته ۵/۷ و برای کشورهای در حال توسعه ۳/۴ است. بیشترین درجه استقلال قضایی در کشورهای توسعه یافته ۶/۸ و در کشورهای توسعه یافته ۵/۳ است. میانگین تولید ناخالص داخلی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به ترتیب معادل ۱۲۷۷۲۵۶ و ۴۲۱۳۳۳ میلیون دلار است. سایر آمارهای توصیفی متغیرهای مدل نیز به تفکیک شاخص‌های مرکزی (میانگین، میانه)، شاخص‌های پراکندگی (انحراف معیار، دامنه تغییرات) و شاخص‌های نسبی پراکندگی (ضریب چولگی و ضریب تغییرات) در جدول (۱) خلاصه شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای مدل به تفکیک کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

متغیر وابسته							متغیرهای مستقل				کشورهای توسعه یافته			
تولید ناخالص داخلی							استقلال قضایی	سرمایه انسانی	سرمایه	حجم سرمایه			نرخ رشد جمعیت	نرخ رشد تجارت
میانگین							۱۲۷۷۲۵۶	۵/۷	۷۰/۶۱	۲۳/۵۸	۰/۶۲	۱۲۵/۳۹	۱/۷۴	شاخص‌های مرکزی
میانه							۳۲۸۵۶۵	۵/۵	۷۰/۰۴	۲۳/۱۲	۰/۶۵	۱۰۲/۲	۱/۵۷	
ماکزیمم							۱۶۵۹۷۴۴۶	۶/۸	۹۹/۶۶	۴۲/۹۶	۲/۰۳	۴۴۲/۶۲	۱۰/۳۶	شاخص‌های پراکندگی
مینیمم							۸۴۴۲	۴/۹	۳۲/۱۵	۱۲/۲۹	-۰/۵۴	۲۴/۷۶	-۴/۴۷	
انحراف معیار							۳۴۰۲۸۲۹	۰/۹۸	۱۴/۶۷	۴۹/۹۳	۰/۴۹	۹۰/۰۶	۱/۸۱	
چولگی							۴	-۰/۳۵	-۰/۱۲	۰/۸۸	-۰/۰۸	۱/۹	۰/۵۸	شاخص‌های نسبی پراکندگی
کشییدگی							۱۶	۱/۹	۲/۶۹	۴/۸۷	۳/۰۹	۶/۲۶	۵/۸	
متغیر وابسته							متغیرهای مستقل				کشورهای در حال توسعه			
تولید ناخالص داخلی							استقلال قضایی	سرمایه انسانی	سرمایه	حجم سرمایه			نرخ رشد جمعیت	نرخ رشد تجارت
میانگین							۴۲۱۳۳۳	۳/۴۶	۳۸/۳۲	۲۷/۰۲	۱/۲۰	۸۴/۲۳	۵/۲۶	شاخص‌های مرکزی
میانه							۵۴۳۷۱	۳/۴	۳۶/۲۹	۲۵/۵۹	۱/۱۷	۷۹/۷۵	۳/۹۵	
ماکزیمم							۸۹۰۸۳۰۱	۵/۳	۸۴/۷۳	۵۸/۱۵	۱۵/۵۱	۱۷۶/۶۶	۳۹/۲۶	شاخص‌های پراکندگی
مینیمم							۴۶۸۲	۱/۹	۲/۹۸	۱۳/۰۲	-۱/۶۶	۳۳/۷۰	-۱/۸۶	
انحراف معیار							۱۲۳۸۶۵	۰/۹۹	۱۹/۰۸	۸/۰۲	۱/۹۰	۳۲/۹۴	۵/۳۰	
چولگی							۵	۰/۴۳	۰/۳۲	۰/۹۶	۳/۶۴	۰/۶۲	۲/۲۷	شاخص‌های نسبی پراکندگی
کشییدگی							۳۰	۲/۴۶	۲/۵۳	۴/۱۹	۲۴/۲۰	۲/۷۵	۱۱/۴۸	

منبع: محاسبات تحقیق

* تولید ناخالص داخلی بر حسب میلیون دلار است.

** شاخص استقلال قضایی عددی بین ۱ تا ۷ است. مقادیر این شاخص هنگام تخمین مدل به مقادیر بین صفر و یک استاندارد شدند.

روش برآورد مدل تحقیق روش داده‌های تابلویی^۱ است. به منظور تخمین رگرسیون داده‌های تابلویی، اولین گام، تعیین نمودن قیود وارد شده بر مدل اقتصادسنجی است.^۲ در این پژوهش، با توجه به آن که متغیر استقلال قضایی ماهیتی نهادی - ساختاری دارد، در بسیاری از این کشورها در طول دوره زمانی مورد بررسی تغییر نکرده است و یا تغییر آن بسیار اندک و جزئی بوده است، لذا مدل پانل اثرات ثابت نمی‌تواند مدل مناسبی باشد. زیرا ماهیت مدل اثرات ثابت، به گونه‌ای است که با وارد کردن متغیرهای مجازی، اثر معنادار تفاوت‌های بین گروهی که در طول زمان تغییر نمی‌کنند (مانند فرهنگ، مذهب، نژاد و مواردی از این قبیل) را در مدل لحاظ می‌کند. لذا، مدل اثر ثابت، نمی‌تواند در مواردی بکار رود که متغیر توضیحی در طول زمان ثابت می‌ماند. به عبارت دیگر، از نظر تکنیکی، متغیر توضیحی ثابت در طول دوره مورد بررسی با متغیرهای مجازی در مدل اثرات ثابت دارای هم‌خطی کامل هستند. در مقابل، مزیت مدل اثرات تصادفی این است که می‌تواند اثر متغیرهای ثابت در طول زمان را بر متغیر وابسته مورد بررسی قرار دهد (تورز - رینا^۳ ۲۰۱۰؛ ص ۲۳). بنابراین، با توجه به توضیحات فوق، مدل اثرات ثابت در این پژوهش کنار گذاشته می‌شود. حال برای این که مشخص شود آیا ناهمگنی بین گروهی معنادار است و باید مدل اثرات تصادفی انتخاب شود، یا این که همگنی بین گروهی پذیرفته می‌شود و مدل تلفیقی (فرضیه عرض از مبداهای مشترک و شیب مشترک در بین مقاطع) مورد استفاده قرار می‌گیرد، از آزمون بروش پاگان^۴ استفاده می‌گردد (همان؛ ص ۳۲).

۴. برآورد مدل و تفسیر نتایج

نتایج آزمون بروش-پاگان در جدول (۲) ارائه شده است. همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود بر مبنای آزمون بروش پاگان ساختار پانل اثرات تصادفی مورد تایید قرار

^۱. Panel Data

^۲. برای مطالعه بیشتر در خصوص روش‌های برآورد و آزمون‌های آن در پانل دیتا به کتاب بالتاجی (۲۰۰۸) مراجعه کنید.

^۳. Torres-Reyna

^۴. Breusch-Pagan

بر اساس این آزمون، ابتدا مدل اثرات تصادفی را برآورد نموده و بر اساس نتایج بدست آمده، آماره LM محاسبه می‌گردد. چنانچه احتمال محاسبه شده (prob) برای آماره LM کوچک‌تر از ۰,۰۵ باشد، اثرات گروهی در بین کشورها در سطح اطمینان ۰,۹۵ درصد پذیرفته می‌شود و لذا بایستی در برآورد مدل‌ها از روش اثرات تصادفی استفاده شود. برای این منظور نرم افزار استاتا (STATA) مورد استفاده قرار گرفته است.

گرفته است. نتایج برآورد مدل‌های تحقیق در جداول (۳) ارائه شده است. همه متغیرهای مدل در سطح خطای ۱۰ درصد معنادار هستند.

جدول ۲. نتایج آزمون بروش-پاگان

نوع آزمون	آماره‌ی آزمون	P-Value	نتیجه آزمون
آزمون بروش-پاگان	۱۳۰۶/۹۱	۰/۰۰۰۰	تأیید مدل اثرات تصادفی در مقابل الگوی داده‌های تلفیقی

منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از نرم‌افزار EViews10

جدول ۳. نتایج برآورد مدل تحقیق

متغیر توضیحی	ضریب	آماره t	P-Value
lnJI	۰/۰۶	۲/۰۱	۰/۰۴۴
lnHC	۰/۳۶	۱۳/۷	۰/۰۰۰۰
CF	۰/۰۰۲	۲/۲۹	۰/۰۲۲۴
POP	-۰/۰۲	-۴/۲۳	۰/۰۰۰۰
INF	-۰/۰۰۵	-۴/۱۱	۰/۰۰۰۰
TR	۰/۰۰۷	۱/۷۹	۰/۰۷۳
C	۲۳/۹۵	۷۷/۲۱	۰/۰۰۰۰
	S.D.	ρ	
آماره تصادفی مقطع	۱/۵۰۷	۰/۹۹	
آماره تصادفی زمان	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	

منبع: محاسبات تحقیق با نرم‌افزار EViews10

نتایج برآورد مدل تحقیق را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- ۱- استقلال قوه قضائیه تأثیری مثبت و معناداری بر تولید ناخالص داخلی داشته است به گونه‌ای که یک درصد افزایش (کاهش) در متغیر مذکور، منجر به ۰/۰۶ درصد افزایش (کاهش) در تولید ناخالص داخلی می‌گردد. استقلال دستگاه قضایی با مصون داشتن قوه قضائیه از اعمال نفوذ و فشار گروه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی، موجب تضمین اجرای قراردادهای و حفظ حقوق مالکیت می‌گردد و در نتیجه رکن اصلی در برقراری حاکمیت قانون، افزایش شفافیت و کیفیت قوانین و مقررات، کارایی دولت، افزایش پیش‌بینی‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، کاهش هزینه‌های مبادلاتی و گسترش نوآوری و در نهایت افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی می‌گردد.
- ۳- حجم سرمایه تأثیری مثبت و معناداری بر تولید ناخالص داخلی داشته است. از لحاظ

نظری، افزایش سرمایه فیزیکی به عنوان نهاده تابع تولید نقش اصلی در پویایی و ارتقا رشد اقتصادی جوامع ایفا می‌کند.

۲- سرمایه انسانی تأثیری مثبت و معناداری بر تولید ناخالص داخلی داشته است که تاییدی بر صحت نظریات رشد درون‌زا است. گسترش آموزش باعث افزایش توانایی‌های فردی و بهره‌وری نیروی کار و همچنین ارتقاء سطح دانش و فرهنگ و در نتیجه زمینه‌ساز بستر مناسب برای اجرای سیاست‌های توسعه‌ای و در نتیجه رشد اقتصادی می‌گردد.

۴- نرخ رشد جمعیت تأثیری منفی و معناداری بر تولید ناخالص داخلی داشته است. از لحاظ نظری، انتظار بر این است که افزایش جمعیت، باعث افزایش ایده‌ها، خلاقیت‌ها و در نتیجه افزایش کارآفرینی و رشد اقتصادی گردد. از طرف دیگر، افزایش جمعیت، به ویژه در کشورهای در حال توسعه که با کمبود بسیاری از امکانات آموزشی و بهداشتی مواجه‌اند، ممکن است بروز و شکوفایی خلاقیت‌ها را در پی نداشته باشد. لذا نظر قطعی و مشخصی در رابطه با اثر جمعیت بر رشد اقتصادی به لحاظ تئوریک وجود ندارد و بسته به شرایط و ویژگی‌های کشورهای، اثرات متفاوتی قابل مشاهده است.

۵- نرخ تورم تأثیری منفی و معناداری بر تولید ناخالص داخلی داشته است. نرخ‌های تورم بالا و متغیر موجب افزایش هزینه مبادله و کاهش سرمایه‌گذاری به نفع فعالیت‌های غیرتولیدی و در نتیجه کاهش تولید می‌شود.

۶- تجارت اثر مثبت و معناداری بر تولید ناخالص داخلی داشته است. از لحاظ نظری، انتظار بر این است که افزایش تجارت با افزایش تخصصی شدن تولید، افزایش بهره‌وری، گسترش بازارها، و همچنین افزایش جذب دانش و فناوری و ایده‌های نو به افزایش تولید و رشد اقتصادی بیانجامد.

۵. نتیجه‌گیری

اقتصاد نهادی به‌عنوان مهم‌ترین مکتب دگراندیش در سال‌های اخیر بیش از پیش مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است. به عقیده نهادگرایان، ضعف، فقدان یا فساد نهادها ریشه‌های توسعه نیافتگی هستند و دست‌یابی به توسعه پایدار منوط به تغییر و اصلاح نهادهاست. حمایت از افراد و حقوق قانونی آن‌ها یکی از نهادهای کلیدی و زیربنایی در ایجاد بسترهای لازم به‌منظور رشد و توسعه اقتصادی جوامع محسوب می‌شود. نظام قضایی مستقل با فراهم نمودن نظارت دقیق، جلوگیری از فساد و افزایش کارایی در تامین حقوق مالکیت نقش مهمی در امنیت چشم‌انداز سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی ایفا می‌کند. در

این پژوهش تلاش شد تا ضمن تشریح مفهوم استقلال قضایی، نقش آن در رشد اقتصادی جوامع با استفاده از رگرسیون داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار گیرد. برای این منظور از داده‌های ۵۲ کشور در حال توسعه و توسعه‌یافته طی دوره ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ استفاده گردید. یافته‌های این مطالعه حاکی از اثر مثبت و معنادار استقلال قضایی بر رشد اقتصادی است، به گونه‌ای که یک درصد افزایش (کاهش) در متغیر مذکور، منجر به ۰/۰۶ درصد افزایش (کاهش) در تولید ناخالص داخلی می‌گردد. بر این اساس، ایجاد و گسترش دستگاه‌های قضایی مستقل، قابل پیش‌بینی و کارآمد، به منظور فراهم نمودن شفافیت در فرآیند قانون‌گذاری و عملکرد نهادهای اجرایی و محافظت از حقوق مالکیت افراد، وظیفه مهمی برای سیاست‌مداران کشورهای درگیر با معضل توسعه خواهد بود. چرا که رشد و توسعه اقتصادی نه تنها نیازمند انواع سرمایه و منابع کافی است، بلکه نیازمند کارایی سیاست‌گذاری و تخصیص بهینه و کارآمد منابع نیز هست. عدم وجود یک ثبات و توافق نسبی در اهداف توسعه‌ای میان سیاست‌گذاران، وجود محدودیت‌های مالی در تنظیم بودجه و مدیریت منابع عمومی، گستردگی رفتارهای رانت‌جویانه‌ای که به دنبال تمرکز بر منافع گروه مشخصی هستند و نه منافع مشترک جوامع، از بیشترین محدودیت‌هایی هستند که کشورهای در حال توسعه با آن مواجه‌اند. افزایش استقلال دستگاه قضایی در کارایی بیشتر نهادهای دولتی و سیاست‌گذاری‌های دولت، ثبات پایدار در برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های عمومی، دستیابی به اجماع‌نظر در سطوح سیاست‌گذاری و جلوگیری از تغییرات ناگهانی و متعدد در ترکیب دولت و مجلس و قوانین منعکس می‌شود، که به نوبه خود منجر به افزایش ثبات و اعتماد عمومی و همچنین قواعد و هنجارهای کارآمدتر در سطوح مختلف جامعه می‌گردد. در چنین فضایی، زمینه‌های مساعد برای سطوح بالاتر مشارکت سیاسی و مشارکت مردمی و توسعه ظرفیت‌ها و توانایی‌های جامعه، پذیرش تفکر علمی، توجه بیش‌تر به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری حول محور بهره‌وری و کارایی، افزایش پیش‌بینی‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، کاهش هزینه‌های مبادلاتی و گسترش نوآوری و در نهایت افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی فراهم می‌گردد.

فهرست منابع و مآخذ:

- حاجی، مجید، ابراهیمی، محسن و میدری، احمد (۱۳۹۲)، تأثیر فرآیند حل و فصل دعاوی قضایی بر رشد اقتصادی کشورهای گروه D8، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۱(۶۵): ۳۳-۶۰.
- حیدری، حسن و علی‌نژاد، رقیه (۱۳۹۳)، بررسی تأثیر متغیر نهادی حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی در

- هشت کشور بزرگ اسلامی، دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق)، ۲۱(۵): ۹۸-۱۲۰.
- رنانی، محسن و دلیری، حسن (۱۳۸۹)، اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی: تبیین چارچوب نظری، مجله سیاست‌گذاری اقتصادی، ۲(۴): ۲۳-۵۶.
- زبیری، هدی (۱۳۹۶)، ریسک سیاسی، نهادها و کارآفرینی، فصلنامه اقتصاد مقداری، ۱۴(۱): ۱۷۳-۲۰۶.
- زبیری، هدی و کریمی، زهرا (۱۳۹۳)، اثر انسجام اجتماعی بر توسعه اقتصادی؛ مطالعه بین‌کشوری با رویکرد داده‌های تابلویی، پژوهش‌های رشد و توسعه، ۴(۱۴): ۳۹-۶۲.
- سرخدهی، فاطمه، راغفر، حسین و مومنی، فرشاد (۱۳۹۶)، امنیت حقوق مالکیت و توسعه‌نیافتگی در ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۰(۲): ۳۳-۶۷.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و پورجوان، عبدالله (۱۳۹۱)، نهادها و رشد اقتصادی: مطالعه‌ی پانل دیتا، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، ۳۱ و ۳۲: ۱۲۱-۹۳.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و بهاری، زهره (۱۳۹۳)، تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب توسعه‌یافته و درحال توسعه، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۴(۱۶): ۷۲-۵۳.
- شرلی، ماری (۲۰۰۸)، نهادها و توسعه، ترجمه زهرا فرضی‌زاده، دو فصلنامه برنامه و بودجه، ۱۰۷: ۲۱۵-۱۶۵.
- صامتی، مجید، شهنازی، روح‌اله و دهقان‌شبابی، زهرا (۱۳۸۹). امنیت حقوق مالکیت، قوانین و مقررات و رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۵(۴۴): ۸۵-۱۰۹.
- طیب‌نیا، علی و نیکونستی، علی (۱۳۹۲)، نهادها و رشد اقتصادی، برنامه ریزی و بودجه، ۱۱۸(۱): ۱۰۹-۱۳۲.
- علمی، زهرا (میلا) و قربانی، محبوبه (۱۳۹۵)، اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۸(۴): ۷۱-۸۲.
- کریمی، محمدشریف، حیدریان، مریم و دورباش، معصومه (۱۳۹۶)، بررسی ارتباط و تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در ایران؛ با رویکرد تصحیح خطای برداری، دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۶(۳): ۱۲۷-۱۵۵.
- کميجانی، اکبر و سلاطین، پروانه (۱۳۸۷)، تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۲(۲): ۱-۲۴.
- متوسلی، محمود و زبیری، هدی (۱۳۹۲)، انسجام اجتماعی؛ منشاء توسعه اقتصادی، توسعه روستایی، ۵(۲): ۷۴-۴۹.
- متوسلی، محمود، سمیعی‌نسب، مصطفی و نیکونستی، علی (۱۳۹۳)، نهادها و توسعه، تهران، دانشگاه امام

صادق.

مستولی‌زاده، سیدمحمد و آذربایجانی، کریم (۱۳۹۴)، تحلیل پویای تأثیر متغیرهای اقتصادی، سیاسی و نهادی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب جهان، فصلنامه راهبرد، ۲۴(۷۴): ۶۷-۸۸.

محمدی، تیمور و ندیری، محمد (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر نهادهای خالق بازار و سایر نهادها بر رشد اقتصادی (رویکرد بین‌کشوری)، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۳(۴): ۱۷۷-۲۰۷.

ندیری، محمد و محمدی، تیمور (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر ساختارهای نهادی بر رشد اقتصادی با روش GMM داده‌های تابلویی پویا، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۵(۳): ۱-۲۴.

نصیرخانی، پرویز (۱۳۹۳)، تأثیر حکمرانی خوب به عنوان شاخص اخلاقی بر رشد اقتصادی، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۷: ۱۰۴-۸۵.

نیکونستی، علی و طیب‌نیا، علی (۱۳۹۲)، نهادها و رشد اقتصادی، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۸(۱): ۱۰۹-۱۳۲.

وصفی اسفستانی، شهرام، شاه‌حسینی، سمیه و ناصرزاده، سمیه (۱۳۹۶)، ارزیابی نقش حمایت از حقوق مالکیت فکری در رشد اقتصادی: مطالعه موردی TRIPS، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۸۴: ۹۱-۶۵.

یولن، توماس (۱۳۹۳)، نقش حقوق در رشد و توسعه اقتصادی، ترجمه بهنام غفاری فارسانی، مجله بررسی‌های بازرگانی، ۶۹: ۸۶-۶۸.

Aoki, M. (2007), Endogenizing institutions and institutional changes, *Journal of Institutional Economics*, 3(1): 1-31.

Acemoglu, D., Johnson, S. and Robinson, J. A. (2005), Institutions as the Fundamental Cause of Long-Run Growth. In: Aghion, P. and Durlauf, S. N. (eds.), *Handbook of Economic Growth*, Amsterdam: North-Holland.

Acemoglu, D. & Robinson, J. A. (2010), The Role of Institutions in Growth and Development, *Review of Economics and Institutions*, 1(2): 1-33.

Baumol, W. (2002), *The free-market innovation machine: Analyzing the Growth Miracle of Capitalism*, Princeton: Princeton University Press.

Coase, R. H. (1998), The New Institutional Economics, *The American Economic Review*, 88(2), 72-74.

Coase, R. H. (1992), The Institutional Structure of Production, *American Economic Review*, 82(4), 713-720.

Dove, J. A. (2015), The Effect of Judicial Independence on Entrepreneurship in the US States, *Economic Systems*, 39(1): 72-96.

Haggard, S. & Tiede, L. (2011), The Rule of Law and Economic Growth: Where are We?, *World Development*, 39(5): 673-685.

- Hoff, K. & Stiglitz, J. (2002), After the big bang? Obstacles to the emergence of the rule of law in post-communist societies, *American Economic Review*, 94(3): 753-763.
- Klerman, D. M. (2007), Legal Infrastructure, Judicial Independence, and Economic Development, *Pacific McGeorge Global Business and Development Law Journal*, C06-1: 427-434.
- Lin, J. and Nugent, J. (1995), Institutions and Economic Development. In J. Behrman & T. N. Srinivasan (eds), *Hand book of Economic Development* (Ch. 38), North Holland Press.
- Meier, G. M. (2005), *Biography of a subject: An evolution of development economics*, Oxford University Press.
- Nganunu, J. M. (2014), Judicial Independence and Economic Development in the Commonwealth, *Commonwealth Law Bulletin*, 40(3): 431-438.
- North, D. C. (1994), Economic Performance Through Time. *The American Review*, 84(3): 359-368.
- North, D. C., Nantzavinos, C. & Sharig, S. (2004), Learning, Institutions and Economic Performance, *Perspectives On Politics*, 2(1): 75-84.
- North, D. C., Wallis, J. J. & Weingast, B. R. (2009), Violence and the rise of open-access orders, *Journal of Democracy*, 20(1): 55-68.
- Ostrom, E. (2007), Challenges and Growth: the Development of the Interdisciplinary Field of Institutional Analysis, *Journal of Institutional Economics*, 3(3): 239-264.
- Rodrik, D. (2008), Second-Best Institutions, *American Economic Review: Papers and Proceedings*, 98(2): 100-104.
- Rutherford, M. (2001), Institutional Economics; Then and Now, *The Journal of Economic Perspectives*, 15(3): 137-194.
- Shervood, R. D., Shervood, G. & DeSouza, C. M. (1994), Judicial Systems and Economic Performance, *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 34: 101-116.
- Torres-Reyna, O. (2010), *Panel Data Analysis Fixed & Random Effects*, Princeton University.
- Van Aaken, A., Feld, L. P. and Voigt, S. (2010), Do Independent Prosecutors Deter Political Corruption? An Empirical Evaluation Across 78 Countries, *American Law and Economics Review*, 12: 204-244.
- Vianna, A. C. and Mollick, A. V. (2018), Institutions: Key Variable for Economic Development in Latin America, *Journal of Economics and Business*, 96: 42-58.
- Voigt, S., Gutmann, J. and Feld, L.P. (2015), Economic Growth and Judicial

Independence, a Dozen Years On: Cross-Country Evidence Using an Updated Set of Indicators, *European Journal of Political Economy*, 38: 197-211.

Williamson, O. E. (2000), The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead, *Journal of Economic literature*, 38(2):595-613.